



ISSN:2588-7033



An Analysis of the Military Leadership of the Prophet (SAW) Based on Sun Tzu's *The Art of War*

Asghar Qaedan^{a*}

^a Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

KEYWORDS

the Art of War, the Prophet (SAW), Sun Tzu, psychological warfare, leadership, leader

Received: 24 May 2024;
Accepted: 21 August 2024

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2024.2030122.1557

ABSTRACT

Strategy, tactic, management, and leadership together with war planning and direction, organization, psychological warfare, and war diplomacy encompass the art of war. Sun Tzu, a Chinese thinker of the 6th century BC, was the first person to discuss the Art of War. This research aimed to analyze his opinions on this topic and evaluate the military performance of the Messenger of God (SAW) based on his theory. Additionally, the present research tried to elucidate the strategic military of the Prophet (SAW) as a successful commander, stating that his proficiency was not acquired through formal military training or the teachings of renowned thinkers. The research question concerns identifying the extent to which the Prophet's performance in the war fields was consistent with Sun Tzu's thoughts on the art of war. This research, conducted using a historical and analytical approach and relying on data from ancient historical sources and an analysis of Sun Tzu's book entitled *The Art of War*, reveals that successful military strategies of the Prophet (SAW) can be attributed to the practical application of the principles and fundamentals of the art of war. There are numerous parallels between his strategy and the ideas of this renowned strategist.

* Corresponding author.

E-mail address: qaedan@ut.ac.ir

©Author





تحلیل رهبری نظامی پیامبر (ص) بر اساس هنر جنگ سون تزو

اصغر قانندان^{*الف}

الف دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، qaedan@ut.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
هنر جنگ، رسول خدا (ص)، سون تزو، جنگ روانی، رهبری، فرماندهی	استراتژی (راهبرد) و تاکتیک (فنون) به همراه مدیریت و رهبری شامل برنامه‌ریزی و هدایت جنگ، سازمان و سازمان‌دهی، جنگ روانی و دیپلماسی جنگ در حیطه-ی هنر جنگ قرار می‌گیرند. نخستین کسی که به بحث در باب هنر جنگ پرداخت سون تزو متفکر چینی سده ششم پیش از میلاد بود. در این پژوهش بر آنیم تا ضمن بررسی نظرات وی در این باب به تحلیل عملکرد نظامی رسول خدا (ص) بر اساس آن بپردازیم. هدف از تحقیق حاضر بیان جایگاه و بینش نظامی عمیق آن حضرت به‌مثابه یک فرمانده موفق است که بدون آنکه در آموزشگاه‌های نظامی آموزش دیده و یا از نظریات اندیشمندان نظامی و آثار آنان بهره‌مند گشته باشد، به مقوله هنر جنگ عنایت کافی داشته است. سؤال پژوهش این است که عملکرد رسول خدا (ص) در عرصه جنگ تا چه میزان با اندیشه‌های سون تزو در باب هنر جنگ همخوانی دارد. نتیجه تحقیق که به روش تاریخی و تحلیلی و بر اساس داده‌های منابع کهن تاریخی و بررسی کتاب هنر جنگ سون تزو صورت گرفته، نشان می‌دهد که عملکرد موفقیت‌آمیز آن حضرت در جنگ‌ها مرهون اجرای موفقیت‌آمیز اصول و مبانی هنر جنگ بوده و تشابه فراوانی با نظرات این اندیشمند برجسته نظامی دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

هنر جنگ یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به جنگ است که در صورت اجرای دقیق آن می‌تواند تضمین‌کننده‌ی پیروزی باشد. بدین سبب از دیرباز دولت‌های بزرگ همواره با به‌کارگیری نظریات اندیشمندان نظامی در این خصوص به موفقیت‌های قابل توجهی دست‌یافته‌اند. در میان چینیان، سون تزو در قرن ششم پیش از میلاد کتابی با عنوان *Sunzi bingfa* (هنر جنگ سون تزو)^۱ نگاشته که برای اولین بار در مشرق زمین در موضوع شیوه‌های جنگی و روش‌های به‌کارگیری نیروها تدوین شده است. کتاب یادشده در زمان خود بهترین کتاب استراتژی جنگی و جزو یکی از هفت کتاب استراتژی برتر چین قدیم بوده^۲ که در طول دو هزار سال اخیر تأثیر بسزایی در استراتژی‌های جنگی داشته است و هنوز هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار در این حوزه مورد توجه قرار می‌گیرد. کتاب هنر جنگ همچنین به دلیل توجه به جغرافیا و زمین در تعیین موفقیت یا شکست مشهور است و دانش و ابزارهایی را برای درک

^۱. Sun Tzu (1910) *on the Art of War*, Translated by Lionel Giles. London: Luzac and Company.

^۲. کتاب هنر جنگ سن تزو که ابتدا به فرانسوی با عنوان *Art Militaire des Chinois* ترجمه شد و از آن‌پس مورد توجه اندیشمندان اروپایی قرار گرفت و به زبان‌های متعددی ترجمه و الهام‌بخش بسیاری از فرماندهان ارتش‌های بزرگ دنیا و شخصیت‌های برجسته‌ای نظیر مانو و استالین گردید که گفته‌اند آنان در هنگام جنگ این کتاب را می‌خوانده‌اند. این کتاب به زبان فارسی نیز توسط حسن حبیبی ترجمه و توسط انتشارات قلم بارها به چاپ رسیده است.

و به‌کارگیری اصول جنگ در هر شرایطی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. از این کتاب می‌توان علاوه بر مباحث نظامی در امور مدیریت اعم از تجاری و سیاسی نیز استفاده کرد (Dimovski and Marič, 2012: 151-160)؛ زیرا نویسنده معتقد است جنگ به معنای چیزی فراتر از نبرد واقعی است و شامل جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی عاطفی هم می‌شود که بر نتیجه یک تلاش نظامی تأثیر می‌گذارد.^۳

در واقع اهمیت اندیشه سون تزو فقط شناسایی جنگ و نظامی‌گری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی قابل تأمل نیست بلکه او برای اولین بار کوشیده است تا برنامه‌ریزی و راهبری عملیات نظامی و جنگی را بر بنیادی عقلانی استوار سازد (حسینی، ۱۳۷۵: ۱۰). در این پژوهش بر آنیم تا ضمن بررسی نظرات سون تزو در باب هنر جنگ، به تحلیل عملکرد رسول خدا (ص) در جنگ‌ها بپردازیم و به این سؤال پاسخ دهیم که ایشان تا چه میزان به مقوله هنر جنگ عنایت داشته و عملکرد آن حضرت در چه جنبه‌هایی از هنر جنگ با اندیشه‌های سون تزو همخوانی داشته است. مفروض ما این است که عملکرد نظامی رسول خدا (ص) در بیشتر جنبه‌های هنر جنگ با منظر و دیدگاه سون تزو اگرچه با تفکرات و اندیشه‌های او آشنایی نداشته است، همخوانی دارد و این امر می‌تواند حاکی از نبوغ نظامی و وسعت نظر آن حضرت در کسوت فرماندهی نظامی باشد.

در خصوص بررسی هنر جنگ در سیره نظامی پیامبر (ص) و تحلیل و انطباق آن بر اساس نظر سون تزو تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است و عمدتاً پژوهش‌ها منحصر در مدیریت و شیوه‌های فرماندهی ایشان بوده است؛ از جمله: سرتیپ ضاهروت^۴ صرفاً نگاهی جامع به شیوه مدیریت پیامبر (ص) در جنگ‌ها دارد. ژنرال یاسین سوید^۵ به ذکر مختصری از روش‌های جنگی پیامبر (ص) پرداخته و بیشتر مباحث خود را به بررسی هنر جنگ در عصر خلفای راشدین اختصاص داده است. شیت خطاب در کتاب خود نیز درباره‌ی شیوه‌های فرماندهی پیامبر (ص) بحث کرده است.^۶ نویسنده کتاب سازمان و سازمان‌دهی نظامی در عصر اسلامی^۷ عمده مباحث خود را به یکی از مباحث هنر جنگ اختصاص داده است. علاوه بر آن‌ها مقالاتی نیز در مورد فرماندهی و مدیریت پیامبر (ص) نگاشته شده است؛ از جمله «استراتژی دفاعی رسول‌الله (ص) علیه مشرکان»^۸، «روش فرماندهی پیامبر اعظم (ص)»^۹، «ویژگی‌های مدیریت و فرماندهی در سیره پیامبر (ص)»^{۱۰}، «مدیریت و رهبری پیامبر اکرم (ص) در عرصه‌های نظامی»^{۱۱} و نیز «بسیج امکانات در جنگ‌های عصر اسلامی»^{۱۲} که هر یک از زوایای خاص به ویژگی‌های فرماندهی آن حضرت پرداخته‌اند. اما در مورد سون تزو نیز پژوهش‌هایی به طور مستقل در دست است؛ از جمله: «تحلیلی بر هنر جنگ و هنر استراتژی مدیریت از دید سون تزو»^{۱۳} و «سون تزو و استراتژی غیرمستقیم»^{۱۴} که هیچ‌یک از مقالات یاد شده به مقایسه‌ی تطبیقی مدیریت و رهبری پیامبر

^۳. See: Cuong Huynh, Thomas (2008). *The Art of War Spirituality for Conflict, Annotated & Explained, USA*

^۴. وتر، ضاهر (۱۴۰۸). مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)، ترجمه و تحقیق اصغر قائدان (۱۳۷۳ ش)، تهران، صریر.

^۵. سوید، یاسین (۱۴۲۰). «اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام»، ترجمه اصغر قائدان (۱۳۷۵ ش)، تهران، دانشگاه امام حسین.

^۶. خطاب، شیت (۱۴۲۵). «شیوه فرماندهی پیامبر (ص)»، ترجمه عبدالحسین بینش (۱۳۷۸ ش)، مرکز تحقیقات سپاه.

^۷. قائدان، اصغر (۱۳۸۳). دانشگاه امام حسین (ع).

^۸. شهریار، بهادر (بهار ۱۴۰۱). سیاست دفاعی، دوره ۳۱، ش ۱۱۸، ص ۱-۲۳.

^۹. تقی‌زاده اکبری، علی (۱۳۸۵). حصون، شماره ۹.

^{۱۰}. مقدسی، علیرضا و سید شهرام قاسم‌زاده شهریصول (۱۳۹۹). مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، دوره: ۱۹، شماره: ۸۷.

^{۱۱}. قائدان، اصغر (۱۳۸۵). مطالعات راهبردی بسیج: شماره ۳۱.

^{۱۲}. همو (۱۳۸۴). مطالعات بسیج، سال هشتم، ش، شماره ۲۷ و ۲۸.

^{۱۳}. فیضی، کاوه (۱۳۷۶). تدبیر، شماره ۷۶.

(ص) با هنر جنگ سون تزو نپرداخته اند.

بررسی ارکان هنر جنگ در سیره نظامی پیامبر (ص) و اندیشه‌های سون تزو

۱. مدیریت و رهبری (Management and Leadership)

از مهم‌ترین ارکان هنر جنگ، مدیریت و رهبری است. مدیریت به معنای هماهنگ‌سازی کلیه منابع سازمانی به منظور دستیابی و تحقق هدف است و سازمان‌دهی (Organization)، برنامه‌ریزی (Planning) و نظارت (Controlling) نیز از وظایف اصلی آن هستند (David and Gary, 1979:1-12).

مدیریت و رهبری نظامی را می‌توان در حقیقت دو مفهوم متفاوت و دو عنصر کلیدی در هر سازمانی به حساب آورد (Buck and Lawrence, 1981: 41).

به لحاظ حیطة وظایف آن‌ها باید اشاره کرد که مدیریت بیشتر به کنترل و سازمان‌دهی منابع و فعالیت‌ها و نیز استراتژی‌ها مربوط می‌شود؛ در حالی که رهبری اغلب به الهام بخشیدن، هدایت کردن و ایجاد ارتباطات و هماهنگی در سازمان و نیروها می‌پردازد. ترکیب مؤثر این دو نقش می‌تواند به بهبود عملکرد سازمانی کمک کند. به گفته مونتگمری وارت، قرن نوزدهم تحت سلطه مفهوم تز «مردان بزرگ» بود. آنان به دلیل ویژگی‌های استثنایی خود به عنوان رهبر، تاریخ را به خوبی جهت می‌دادند، اعتقاد اصلی بر این است که در هر جامعه‌ای در هر زمان، تنها چند نفر بسیار نادر وجود دارند که از ویژگی‌های منحصر به فردی برای شکل‌دهی یا تغییر تاریخ برخوردارند (Van Wart, 2003:219).

از نظر سون تزو قوای روحی و استعداد فکری انسان عواملی هستند که چنانچه به هنگام جنگ به طور صحیح بهره‌برداری شوند، نتیجه جنگ جز یک پیروزی قطعی نخواهد بود (سون تزو، ۱۳۵۸: ۹۴). او معتقد است ویژگی‌های مثبت یک رهبر نقش مؤثری در پیروزی دارد؛ به‌ویژه که این رهبری از نقش کارزمایی هم برخوردار باشد. سون تزو موقعیت‌گرایی استراتژیک رهبری را در چند کارکرد می‌داند: ۱- ایجاد مزیت و برتری موقعیتی در محیط؛ ۲- ایجاد سازمان؛ ۳- ایجاد روحیه در درون نیروها؛ ۴- اعمال نفوذ و سازگاری با شرایط. همچنین وی پنج عامل را در پیروزی در جنگ مؤثر می‌داند، سه عامل خارجی (محیط سیاسی-اجتماعی، آب‌وهوا و زمین) و دو عامل داخلی سازمان (کیفیت رهبر و وضعیت سپاه) (Sun Tzu, 1910: 151-153).

رسول خدا (ص) علاوه بر رهبری معنوی جامعه به‌عنوان یک فرمانده نظامی نیز به ایفای نقش می‌پرداختند. جامعه‌ای که با دشمنان متعدد مواجه بود ایشان را ناچار می‌ساخت تا هم به دفاع از کیان اعتقادی و هم به دفاع از حاکمیت سیاسی خود و نیز به طرح و برنامه‌ریزی برای تقابل با دشمنان داخلی یعنی جبهه مشرکان و یهود در مکه و مدینه و دشمن خارجی یعنی رومیان و قبایل همجوار مرزهای شبه جزیره پردازند. آن حضرت در عرصه مدیریت و رهبری خود کوشیدند تا اهداف روشنی برای جنگ تعریف و آن را برای نیروهای تحت پوشش خود تشریح کنند؛ زیرا جنگ تا زمان ایشان در میان اعراب عمدتاً پیرامون کین خواهی و انتقام، آب، چراگاه، رقابت‌های قبیله‌ای و... صورت می‌گرفت که صدها جنگ با عنوان «ایام العرب» در تاریخ عصر جاهلی ثبت شده است.^{۱۵} آن حضرت ضمن حفظ روحیه جنگجویی اعراب، اهداف جنگ را تغییر داده و آن را بر اساس ارزش‌های دینی متحول

^{۱۴} حسینی، حسین (۱۳۷۵). سیاست دفاعی، شماره ۱۳.

^{۱۵} ر.ک: ابوعبیده معمر بن مثنی، ایام العرب، تحقیق ابراهیم بیضون، بیروت.

ساختند. درگیری های روزانه عرب صحرانشین را با مفاهیمی چون: جهاد فی سبیل الله، ایثار و از خودگذشتگی، فنا شدن در اهداف عالی الهی و در نهایت، رسیدن به لقا الله شکل تازه ای بخشیدند و به تقویت ایمان و اعتقاد آنان در جنگ پرداختند. این امر در توصیه ایشان به هنگام اعزام سراپا روشن است: «اغزوا باسم الله و فی سبیل الله و علی مله رسول الله، لا تغلوا و لا تغدروا و لا تمثلوا و لا تقتلوا الولدان والنساء و...» (شیبانی، ۱۴۱۸: ۹۸؛ شافعی، بی تا: ۲۵۲/۴) (با نام خدا و در راه خدا و بر اساس دین رسول خدا بجنگید، کینه و غدر و نیرنگ نوزید، کسی را مثله نکنید و کودکان و زنان و... را نکشید). ایشان به جنگ با مشرکان به عنوان آخرین مرحله و بر اساس راهبردی قرآنی بدین دلیل می اندیشیدند که آنان ایمان به خدا و اعتقاد به آخرت نداشته و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام می دانستند. بر اساس این رهنمود قرآنی: «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله...» (توبه/۲۹). می توان گفت آن حضرت در حقیقت به جنگ انقلابی مبتنی بر قیام علیه ظلم و ستم روی آوردند و با اتحاد و همدلی و وحدت بین نیروها (در ضمن ایجاد دو پیمان مدنی و مواخات در ابتدای ورود به مدینه) به ایجاد یک سازمان مقتدر نظامی متشکل از انصار و مهاجران پرداختند. آن حضرت در میان پیروان خود فراتر از یک رهبر کاریزما، جایگاهی الهی داشت. فرمان های ایشان غالباً مورد تبعیت قرار می گرفت، به همان گونه که خداوند فرمان داده بود: «ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب» (حشر/۷) و حتی در جامعه برون دینی از جمله یهود هم در ابتدا به عنوان یک رهبر بزرگ مورد تبعیت قرار گرفت و آنان حاضر به ورود در پیمان نامه مدنی ایشان شدند. به گفته دلبروک «محمد از طریق نظام خود، همه این طبقات را در یک وحدت فشرده گردآورد و با آن نه تنها نیروی درونی عظیمی ایجاد کرد، بلکه توده ای بسیار بزرگ همکار را نیز به وجود آورد. همه قبایل سرزمین عربستان را در یک نیروی نظامی یکدست متحد ساخت. او توانست سی هزار نفر را برای لشکرکشی علیه امپراتوری بیزانس گرد هم آورد، اما این نیرو در مرز متوقف شد» (Delbrück, 1990: 209).

این ویژگی رهبری در منظر سون تزو نقش مؤثری در پیروزی در جنگ دارد. وی معتقد است یکی از شرایط رهبری نفوذ معنوی و اخلاقی است که مردم باید با رهبران خود رابطه اخلاقی داشته باشند (Sun Tzu, 1919: 151-153) و ما آن را به عینه در رسول خدا (ص) می بینیم، به گونه ای که برای گرفتن آب وضوی ایشان و تبرک به آن بر یکدیگر سبقت می گرفتند. خداوند این ویژگی اخلاقی را در آن حضرت این گونه بیان می کند که «فبما رحمہ من اللہ لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک» (ال عمران/ ۱۶۹). همچنین در عرصه مدیریت و فرماندهی به ابتکارات قابل توجهی دست زدند. از جمله در جنگ بدر بر اساس این آیه «ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیلہ صفا کانهم بنیان مرصوص» (صف/۴) به اجرای نظام صفوف در جنگ روی آورد (زهری، ۱۴۲۵: ۲۱۸/۱؛ ابن هشام، ۱۳۵۵: ۵۸/۲) که تا قبل از آن در میان اعراب رواج نداشت و عمدتاً آنان بر اساس کر و فر (جنگ نامنظم) می جنگیدند. ایشان در جنگ بدر چنان که اشاره خواهیم کرد، میدان جنگ را به دشمن تحمیل کردند یعنی بر «عدوه الدنیا» مستقر شدند تا امکان سلطه بر میدان را داشته باشند و دشمن را ناچار ساختند در جایی نامناسب یعنی «عدوه القصوی» اردو زند. همچنین قبل از دشمن چاه های بدر را در اختیار گرفتند تا نسبت به او برتری داشته باشند و او را در تنگنا قرار دهند (زهری، ۱۴۲۵: ۲۱۶/۱)؛ و نیز در جنگ احزاب به تاکتیک دفاعی با حفر خندق روی آوردند (واقعی، ۱۴۰۴: ۲/۴۴۰). در جنگ احد برای امنیت بهتر نیروهایشان تعدادی تیرانداز بر تپه جبل عینین مستقر ساختند تا دشمن از پشت حمله نکند (همان: ۲۱۹/۱). در مقابله و نبرد با یهودیان بنی نصیر، بنی قینقاع، بنی قریظه و نیز خیبر به تاکتیک محاصره روی آوردند تا آنان را به تسلیم وادارند (زهری، ۱۴۲۵: ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۰۹/۱). قبیله بنی اسد را به هنگام تهاجم به سوی خیبر از یاری رسانیدن به دشمن بازداشتند و از پیمان اتحادی که قرار بود بین آنان منعقد شود، جلوگیری فرمود تا یهود خیبر را تضعیف و ناتوان سازد (ابن سید الناس، ۱۴۱۴: ۱۷۹/۲).

۲. فرماندهی (Command)

از دیگر ارکان هنر جنگ فرماندهی است. یک فرمانده در عرصه استراتژی و تاکتیک نقش کلیدی ایفا می‌کند و استراتژی نظامی را به تنهایی یا با نظر شورایی از مشاوران تدوین و به اجرا درمی‌آورد. از آنجاکه فرماندهی در اصطلاح نظامی به معنای رهبری نظامی است، لذا فرماندهان در جنگ باید توانایی‌های رهبری و فرماندهی را ترکیب تا بتوانند نیروهایشان را به بهترین شکل هدایت کنند و به اهداف نظامی خود دست یابند. از وظایف فرماندهی می‌توان به این موارد اشاره داشت: اتخاذ تصمیمات، ارتباط مؤثر با نیروها، ایجاد تعهد و انگیزه در اعضا و هدایت آنان به سوی دستیابی به اهداف مشترک، همکاری استراتژیکی در قالب تهاجم و حمله مستمر به دشمن و مراکز پشتیبانی و ایجاد خلل در برنامه‌های او، تشجیع احساسات و انگیزه‌هایی برای مقاومت در برابر دشمن (Boyatzis, 2011: 2/11).

علاوه بر آن فرماندهی باید با محاسبه وضعیت کلی جنگ به سازمان‌دهی واحدها، ارتباط مراحل گوناگون یک عملیات، نظارت منظم بر اجرای استراتژی بپردازد (Van Wart, 2003: 221). سون تزو فصل یازدهم کتاب خود، طراحی تاکتیک‌های مختلف را بر اساس شرایط احتمالی جنگ بر عهده فرماندهی می‌داند. مفهوم کلمه‌ی فرماندهی از نظر سون تزو عبارت است از قدرت و اختیارات فرماندهان و مجموعه‌ای از صفات دانش و خرد، انصاف، انسانیت، رشادت و سرسختی که او باید جامع این صفات باشد. او استدلال می‌کند که «کسی که در هدایت جنگ مهارت دارد، همیشه سعی می‌کند تا موقعیت را به نفع خود تغییر دهد» (Sun Tezu, 1910: 160).

رسول خدا (ص) ضمن برنامه‌ریزی عملیاتی، به‌طور مستقیم فرماندهی میدان عملیات را نیز در بیشتر جنگ‌ها بر عهده داشتند. آن حضرت در طی ۹ سال در مجموع ۲۹ غزوه را مدیریت و شخصاً فرماندهی ۹ غزوه را برعهده گرفتند و در تمام آن‌ها جز غزوه احد، به پیروزی دست یافتند. شیوه عمل‌کردشان نشان می‌دهد که ایشان از دانش کافی و توانمندی مدیریتی عالی در کنترل و هدایت نیروی انسانی و منابع، اتخاذ و طرح‌ریزی نوع تاکتیک مناسب در هر جنگ - اعم از دفاعی و تهاجمی - انتخاب مطلوب محل استقرار در برابر دشمن برخوردار بودند. سان دیدن نیروها قبل از جنگ و انتخاب نیروهای شایسته از جمله در جنگ بدر و احد و فتح مکه و خارج کردن نیروهای ناتوان و نابالغ از جنگ، بررسی سلاح‌ها و تجهیزات نیروها و نهایتاً نحوه آرایش جنگی در منطقه عملیاتی از جمله در نبرد بدر و نیز فتح مکه می‌پردازند (ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۲/۲۲۶؛ واقدی، ۱۴۰۴: ۲/۶۴۳). مسئله مهم دیگری که در حیطه فرماندهی قرار می‌گیرد مشورت در امور جنگی است؛ چه در ایجاد انضباط در لشکر، نظام و سازمان‌دهی نیروها و تعیین اهداف غزوات و سرایا چه در نحوه رویارویی با دشمن و اتخاذ تاکتیک‌های جنگی که این امر را بر اساس این آموزه قرآنی «و امرهم شورا بینهم» مورد توجه قرار می‌دادند؛ از جمله مشورت برای خروج از مدینه به هنگام جنگ احد و نیز برای اتخاذ منطقه استقرار مناسب در غزوه بدر و نیز حفر خندق در نبرد احزاب (ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۲/۲۶۶؛ واقدی، ۱۴۰۴: ۲/۴۴۳). مشورت برای دادن مقداری از خرما به مدینه به قبیله غطفان برای برقراری صلح و جلوگیری از حمله آنان به مدینه (زهری، ۱۴۲۵: ۱/۵۱۱).

ایشان به بهترین صورت ممکن با نیروها در تعامل بوده و آنان را در اجرای وظایفشان از جمله در اجرای سریه‌ها به‌خوبی توجیه و با وظایف‌شان آشنا می‌کردند؛ از جمله در سریه عبدالله بن جحش به وادی نخله اهداف، چگونگی مأموریت را طی نامه‌ای تبیین کردند (زهری، ۱۴۲۵: ۱/۱۷۸). آن حضرت ایجاد تعهد و انگیزه در نیروها به هنگام جنگ را که بر اساس نظر سون تزو در حیطه وظایف فرماندهی قرار دارد، در غزوات مختلف از جمله در احد، خندق و حنین به‌خوبی به انجام رسانید. انتخاب فرماندهان

عملیاتی نیز یکی دیگر از وظایف فرماندهی کل است که رسول خدا (ص) همواره شایسته‌ترین افراد را برای مأموریت‌های جنگی انتخاب می‌کردند؛ از جمله حمزه سیدالشهدا را که به شجاعت مشهور بود برای نخستین سریه جنگی فرماندهی داد تا متعرض کاروان تجاری ابوجهل گردد (واقعی، ۱۴۰۴: ۱۱/۱). امام علی (ع) را به سوی یمن فرستاد تا رفتارهای ناپسندیده خالد بن ولید را جبران کند و نیز ایشان را برای ویران کردن بتخانه فلس اعزام کرد (ابن سیدالناس، ۱۴۱۴: ۲/۲۵۷) و همچنین در غزوه خیبر پرچم فرماندهی را به او سپرد که توانست قلعه را فتح کند (زهری، ۱۴۲۵: ۱/۶۲۴). اسامه بن زید را به‌رغم کمی سن، ولی توانمندی‌اش در فرماندهی به سریه‌ای به سمت روم فرماندهی داد که البته با رحلت ایشان این لشکرکشی به تعویق افتاد.

۳. طرح و برنامه‌ریزی (planning)

مقوله برنامه‌ریزی یکی دیگر از ارکان مهم هنر جنگ است که در حیطه وظایف مدیریت و رهبری قرار می‌گیرد. در حقیقت طرح و برنامه عنصری اساسی در ساختار دولت و نیروی نظامی به حساب می‌آید که وظیفه طرح سیاست‌های کلی، ترسیم نقشه‌های جنگی، بررسی تعداد نیروهای مورد نیاز برای جنگ، سلاح‌ها و تجهیزات و تعیین شرایط انتخاب فرماندهان، سازمان‌دهی و کنترل عملیات برای دستیابی به پیروزی را مورد توجه قرار می‌دهد (Van wart, 2003:221).

سون تزو در خصوص برنامه‌ریزی برای تهاجم یا دفاع این‌گونه می‌گوید: «وقتی برتری شما به لحاظ تعداد ده برابر دشمن است، او را محاصره کنید، وقتی پنج برابر است به او حمله کنید، وقتی دو برابر نیرو دارید، بکوشید وی را متفرق کنید. هنگامی که به لحاظ عددی نیروی‌تان کمتر از دشمن است باید قادر به نبرد در حال عقب‌نشینی و دفاع باشید» (سون تزو، ۱۳۶۴: ۵۳).

رسول خدا (ص) برای درگیری و مقابله با سه جبهه یهود، مشرکان و رومیان به طرح و برنامه‌ریزی پرداخت. ایشان حتی قبل از ورود به یشرب به تدارک زمینه‌های مقاومت و رویارویی محتمل با دشمن پرداخت و در هنگام انعقاد بیعت عقبه دوم با مردم این شهر از آنان تعهد گرفت که در مدینه از ایشان و مسلمانان مهاجر حمایت و با دشمنانشان بجنگند؛ لذا آن پیمان «بیعه الحرب» نامیده شد (طبری، ۱۹۶۱: ۲/۳۵۶). آن حضرت بر اساس نوع عملیات تهاجمی یا دفاعی به نسبت نیروهای دشمن به بسیج تعداد موردنیاز نیروها و امکانات اقدام می‌کرد. از جمله در غزوه احد که تعداد نیروهای‌شان یک‌سوم دشمن بود نظرشان بر ماندن در مدینه و اتخاذ حالت دفاعی بود، حال آنکه بسیاری به خروج و تهاجم اعتقاد داشتند (واقعی، ۱۴۰۴: ۱/۲۲۰). در جنگ احزاب که نیروهای‌شان بسیار کمتر از مشرکان بود به موضع دفاعی روی آوردند، اما برای درگیری با بنی‌نضیر، بنی‌قریظه، بنی‌قینقاع، خیبر، فتح مکه، حنین و تبوک به سبب تعداد زیاد نیروهای‌شان نسبت به دشمن، به تهاجم دست زدند به همان‌گونه که سن تزو بر این نظر بود. رسول خدا (ص) با انجام جنگ‌های پیشگیرانه در مرزهای مجاور مثل تبوک و موته امنیت مرزهای اسلامی را نیز تضمین کردند و همین نوع عملیات را در داخل نیز با رعایت اصل غافل‌گیری همه‌جانبه دنبال می‌کردند و قبل از آنکه دشمن به او حمله کند آنان را مورد حمله قرار می‌داد؛ از جمله در غزوه بنی‌سلیم به نیروهای غطفان و سلیم که در «قرقره الکدر» در حال تجمع و پیوستن به یکدیگر بودند، حمله کرده و بر آنان غلبه یافتند (ابن‌سعد، ۱۳۷۶: ۲/۲۱)؛ و نیز در برابر قبایل اطراف مدینه به محض آگاهی از آماده شدن آنان برای حمله به مدینه به جنگ پیشگیرانه روی آوردند که غزوات بنی‌محارب، ذی‌امر، بنی‌سلیم و بنی‌ثعلبه نمونه‌هایی از این برنامه‌ریزی بود (واقعی، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۳).

آن حضرت در برابر یهود نیز به برنامه‌ریزی پرداختند، ابتدا آنان را چون شهروندان و هم‌طراز با مسلمانان در پیمان مدنی وارد ساختند و تعهداتی بر آنان قراردادند، زمانی که آنان تعهداتشان را زیر پا گذاشتند و پیمان خود را نقض کردند در سه غزوه بنی‌قینقاع،

بنی نضیر و بنی قریظه محاصره و از مدینه اخراج و پاک‌سازی شدند (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۵۰/۳؛ زهري، ۱۴۲۵: ۱/۳۱۴، ۳۱۱). آن حضرت در نخستین محور مدیریت یعنی برنامه‌ریزی برای تشکیل سازمان نظامی و نیز بسیج نیرو، منابع و امکانات بر اساس این آموزه‌های قرآنی «انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا فی سبیل الله» (توبه/۴۱) و نیز «و اعدوا لهم ما استطعتم من رباط الخیل ترهبون به عدو الله» (انفال/۶۰)، موفق ظاهر شد. در آیه نخست دستور بسیج به دو گونه خفاف و ثقاف یعنی سبک اسلحه و سنگین اسلحه یا تعداد کم و تعداد زیاد آمده است؛ لذا ابتدا هسته اولیه بسیج نیروهای داوطلب را از میان مهاجران شکل داد و پس از چندی در جنگ بدر دومین هسته نیروی نظامی یعنی انصار را به مهاجران ملحق ساخت (ابن‌سعد، ۱۳۷۶: ۵/۲؛ واقدی، ۱۳۶۳: ۷/۱). پیشرفت در این عرصه چندان چشمگیر بود که تعداد نیروهای حاضر در جنگ بدر که ۳۱۳ نفر بودند در ظرف مدتی نه‌چندان دراز یعنی در غزوه تبوک به سی هزار نفر رسید (واقدی، ۱۳۶۳: ۱/۱۵۲).

همچنین آن حضرت در خصوص تأمین تجهیزات و سلاح نیز به برنامه‌ریزی حساب‌شده‌ای پرداختند. مسلمانان در نخستین غزوه‌ها از داشتن امکانات اولیه مثل شمشیر و نیزه و اسب به تعداد نیروهای رزمنده بی‌بهره بودند. به‌عنوان نمونه در غزوه بدر از ۳۱۳ نیروی جنگجو تنها هفتاد نفر شمشیر داشتند و هر چهار نفر با یک شمشیر می‌جنگیدند و فقط چند نفر کمان و نیزه و نیز از یک اسب و چند شتر برخوردار بودند (ابن‌سعد، ۱۳۷۶: ۸/۲؛ ابن‌هشام، ۱۳۵۶: ۱/۶۳۱-۶۳۴)؛ اما دیری نپایید که هنگام فتح مکه یعنی شش سال بعد، تمامی جنگجویان تحت رهبری آن حضرت غرق در سلاح و آهن بودند و به‌گونه‌ای در برابر چشم سران مشرک مکه رژه رفتند که ابوسفیان خطاب به عباس گفت: سلطنت برادرزاده‌ات خیلی باشکوه شده و او اظهار داشت این نبوت است نه سلطنت (ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۴/۴۶). آن حضرت برای تأمین سلاح‌های سنگین از جمله منجنیق و دبابه نیز نیروهایی برای آموزش ساخت آن به خارج از مرزهای اسلامی یعنی منطقه جرش در یمن اعزام داشتند (طبری، ۱۹۶۱: ۳/۵۴۵)؛ و با استفاده از منجنیق و دبابه دیوارهای طایف را در هم کوبیدند و در این جنگ از نبرد صحرائی به نبرد شهری و محاصره‌ای روی آوردند. علاوه بر آن تعداد سواران در سپاه ایشان در مدت کوتاهی یعنی در غزوه تبوک به سه هزار نفر رسید در حالی که در غزوه بدر فقط یک نفر اسب داشت و این نشان از برنامه‌ریزی مستمر و موفق آن حضرت دارد.

از دیگر موارد قابل اشاره در این خصوص، برنامه‌ریزی برای تسلط بر محورهای مهم مواصلاتی بود. سون تزو به‌عنوان یک راه‌حل پیشنهاد می‌داد که باید برخی از راه‌های استراتژیک را در کنترل گرفت و اجازه عبور از آن‌ها را به دشمن نداد (سون تزو، ۱۳۶۴: ۱۲۷). رسول خدا (ص) راه‌هایی را که برای امداد رسانی به لشکر مورد نیاز بود تأمین و راه‌هایی که برای امداد رسانی دشمن بود قطع و امنیت آن‌ها را تهدید و برخی را تصرف می‌کرد؛ از جمله در راه ساحلی سمت دریای سرخ یعنی مسیر بدر که راه کاروان‌های تجاری قریش به شام بود و نیز در سیطره بر مسیر دومه الجندل در مرز شام که برای جنگ با روم اهمیت داشت (واقدی، ۱۴۰۴، ۱/۱۲؛ ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۲/۴۰۱).

۴. سازمان نظامی و سازمان‌دهی (Organisation and Military Organ)

یکی دیگر از ارکان مهم هنر جنگ و البته شاید مهمترین آن که همواره مورد توجه اندیشمندان نظامی بوده «سازمان‌دهی» و ایجاد «سازمان نظامی» است (Vantlee and D.gary, 1979: 10). هدف از سازمان‌دهی تضمین و تأمین بهترین کاربرد ممکن از ابزارها و امکانات جنگی است (ایوبی، ۱۹۷۵: ۱/۲۷۵). به نظر سون تزو در مجموع سازمان‌دهی به سه مقوله اشاره دارد:

۱- تقسیم کار ۲- تعیین اختیار و مسئولیت ۳- تعیین ارتباط. سازمان نظامی نیز به تشکیل و تعریف واحدهای اصلی و فرعی سازمان نظر دارد. مجموع یگان‌های متعدد، هر یک برحسب نوع مأموریت خود وظایف خاصی دارند و عدم انجام آن به هماهنگی سازمان آسیب وارد می‌کند؛ بنابراین پیروزی درنبرد به عمل هماهنگ مجموعه یگان‌ها بستگی دارد که این امر جزو وظایف رهبری و در حقیقت مدیریت سازمان است. چنانکه اشاره شد، سون تزو یکی از کارکردهای مهم استراتژیک رهبری را ایجاد سازمان توسط او می‌داند (Sun Tzu, 1910: 151).

پیامبر (ص) در کسوت رهبری به ایجاد سازمان نظامی، تقسیم‌بندی لشکریان و تقسیم مأموریت‌ها بین فرماندهان و بسیج نیرو، منابع و امکانات برای این سازمان پرداختند. این سازمان که تا ماه‌های آخر حیات رسول خدا (ص) توسعه چشمگیری یافت، شامل رسته‌های مختلف نظامی از جمله پیاده‌نظام، سواره‌نظام، تیراندازان، نیزه‌اندازان، شمشیرزنان، منجنیق‌اندازان و دبایون می‌شد.^{۱۶} در حیطه‌ی سازمان‌دهی نیز قبل و در حین حرکت، هنگام توقف در اردوگاه و نیز در میدان جنگ از آن بهره‌می‌گرفتند؛ که این امر در پیروزی در جنگ‌های ایشان تأثیر بسزایی داشت. این سازمان‌دهی بر اساس نظام خمیس صورت گرفت یعنی لشکریان در پنج یگان سازمان‌دهی شدند. طلیعه، قلب، جناح راست، جناح چپ و عقبه سپاه. آوازه این سازمان‌دهی چنان در دل دشمنان رعب افکنده بود که وقتی مشرکان و یهودیان از حرکت سپاه آن حضرت آگاه می‌شدند، می‌گفتند «جاء جيش محمد و خمیسه» (ابن‌هشام، ۲: ۲۳۰/۱۳۵۵؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۴: ۱۷۲/۲). جنگ بر اساس این سازمان‌دهی در میان مسلمانان آن‌قدر اهمیت یافت که حتی اگر شمار نیروها کم بود به‌طور ناقص از آن بهره‌می‌بردند؛ اما بیشترین کاربرد نظام خمیس برای نیروهای انبوه بود. در جنگ بدر از نظام خمیس به‌طور ناقص استفاده و مهاجران و انصار را به دو گروه تقسیم کرد و از اجزای پنج‌گانه نظام خمیس تنها به تشکیل دو جزء میمنه و میسره بسنده کرد (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۱۳۰/۱). در جنگ احد لشکریان را به سبب تعداد زیادتر جنگجویان در سه یگان سازمان‌دهی کرد که انصار دو یگان اوس و خزرج و مهاجران نیز یک یگان را تشکیل می‌دادند (همان: ۱۵/۲)؛ اما نظام خمیس در نبرد موته، جنگ خیبر، فتح مکه و محاصره‌ی طائف به‌طور کامل به اجرا درآمد (همان، ۴۱۷، ۴۱۹/۲، ۴۱۵).

۵. استراتژی (Strategy)

یکی از وظایف مهم رهبری در حیطه‌ی هنر جنگ استراتژی است که اندیشمندان نظامی همواره از این واژه تعاریف نسبتاً متنوعی ارائه کرده‌اند.^{۱۷} سون تزو، استراتژی را به‌عنوان «هنر اجرای مهارت‌ها و ابتکارات در مقابل تهدیدها و مسائل مختلف» و «فرآیند تدوین و اجرای نقشه‌ها برای رسیدن به اهداف در شرایط متغیر» می‌داند (Sun Tzu, 1910: 153).

اگرچه حیطه‌ی استراتژی امروزه محدوده‌ای وسیع‌تر از عملیات و حتی جنگ یافته است و با گذشت زمان، چون تهدیدات پیچیده‌تر و ترکیبی شدند، به‌تبع آن استراتژی نیز به سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشیده شده است (شهریاری، ۱۴۰۱: ۲۳۸)؛ بنابراین می‌توان اقدامات زیر را در حوزه استراتژی دانست: ترتیب و تدارک انواع عملیات جنگی و تعیین تاکتیک‌های آن و نیز فراهم ساختن وسایل ضروری برای موفقیت در عملیات شامل شناخت دشمن، نیروها و امکانات او، تعیین

^{۱۶} برای اطلاعات بیشتر بنگرید: قائدان، اصغر (۱۳۸۰). سازمان و سازمان‌دهی نظامی در تاریخ اسلام، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).

^{۱۷} واژه «استراتژی» برگرفته از کلمه یونانی «استراتگوس» بوده که از دو واژه stratos به معنای ارتش و سازمان نظامی و «ago» به معنای رهبری، فرماندهی یا برنامه‌ریزی در مدیریت امور نظامی و غیرنظامی ترکیب شده است. در کنار آن لغت «استراتاگم» نیز به معنای تدبیر یا عمل فرمانده معنا گردیده است. بنگرید: (Simon & Schuster. 1983: P: 1799)

نقطه‌ی وارد ساختن ضربه‌های اولیه و ثانویه، محورهای حرکت و جابه‌جایی نیروها و مناطقی که درگیری باید در آنجا انجام شود. برای مطالعه بیشتر بنگرید: (Simon and Schuster, *Webster's New Dictionary*, 1983:P: 1800).

سون تزو استراتژیست نظامی برجسته را کسی می‌داند که بتواند لشکر دشمن را بدون درگیری نظامی تسلیم کرده، شهرها را بدون محاصره تصرف و دولت دشمن را بدون خونریزی و کشتار سرنگون کند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با حداقل ضایعات و تلفات جنگ را به پیروزی نهایی برساند. او می‌گوید: «هدف شما باید این باشد که هر آنچه در زیر آسمان است صحیح و سالم تصرف کنید. به این ترتیب لشکریان شما دست‌نخورده باقی می‌مانند و پیروزی شما تام و تمام است. هنر استراتژی تهاجمی چنین است.» او معتقد بود سلاح‌ها آلات و ابزار شوم و بدشگونی هستند که از آن‌ها فقط باید هنگامی استفاده کرد که راه‌حل دیگری نباشد (سون تزو، ۱۳۵۸: ۹۷، ۵۲) و می‌گفت: «انهدام سرزمین دشمن و از هم پاشیدن دولت وی از جمله بدترین کارها به حساب می‌آید. باید از کشتار نیروهای دشمن پس از آنکه پیروزی میسر گشت، اجتناب کرد و کوشید تا این نیروها به اطاعت درآمده و به کار گرفته شوند. به نظر وی پراهمیت‌ترین بخش یک جنگ حمله به استراتژی و برنامه دشمن است. شکست‌ناپذیری به چگونگی دفاع و شانس پیروزی به ویژگی حمله بستگی دارد. آنانی که در هنر جنگ مهارت و ورزیدگی دارند، می‌توانند خود را به وضعی شکست‌ناپذیر درآوردند ولی حتماً قادر نخواهند بود که موجبات آسیب‌پذیری دشمن را فراهم کنند (همان: ۶۵).

در این خصوص رسول خدا (ص) به تعیین استراتژی برای جنگ‌های خود می‌پرداخت و آن را برای جنگجویان و فرماندهانش تبیین می‌کرد. از جمله اینکه باید با مشرکان تا زمانی که تسلیم‌شده و اسلام را بپذیرند بچنگند و دست از شرک بردارند: «و قاتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافه...» (توبه ۳۶). لذا از اهداف راهبردی ایشان بر اساس آیه‌ی «ادخلوا فی السلم کافه»، امتناع از جنگ و انعقاد «مهادنه» بود که از «هدنه» به معنای صلح گرفته‌شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ذیل هدن). ایشان علاوه بر آن از راهبرد «موادعه» هم بهره می‌بردند. موادعه از ریشه «ودع» گرفته شده که به معنای واگذاشتن و رها کردن است؛ لذا آن حضرت، از جنگ با بسیاری از قبایل بت‌پرست، به هنگامی که تقابلی با ایشان نداشتند، دست می‌کشیدند و به انعقاد معاهده عدم تعرض یا آتش‌بس موقت با آنان اقدام می‌کردند (ر.ک: قائدان، ۱۴۰۲). رسول خدا (ص) وقتی وارد مدینه شدند با یهودیان معاهده (موادعه) بستند و آنان را بدون اینکه چیزی (جزیه و خراج) از آنان بگیرند به خود واگذاشتند؛ مگر زمانی که خود، موادعه را شکستند. وقتی پیامبر (ص) برای انجام عمره به مکه رفتند و مشرکان راه را بر ایشان بستند، پذیرفتند به مدت ده سال و نه همیشه با آنان صلح کنند (پیمان حدیبیه). همچنین اموال ساکنان خیبر را به «عنوه» (با جنگ) تصرف کردند مگر یکی از قلعه‌ها را که با آنان در ازای دریافت میزانی از محصول خرما می‌آنان صلح کردند (بیهقی، ۱۹۵۲: ۶/۶۶۶).

«دعوت» از دیگر اصول راهبردی آن حضرت بود؛ همان‌که سون تزو آن را «دیپلماسی جنگ» می‌نامید. ایشان قبل از انجام هر نوع عملیات جنگی، دشمن را به اسلام دعوت می‌کرد و به توافق به‌جای جنگ فرامی‌خواند تا راهکاری برای جلوگیری از آتش جنگ و خونریزی باشد. از جمله با دعوت سران کشورهای مختلف و قبایل به اسلام چنین کرد و به هنگام ارسال سرایا به فرمانده آنان توصیه‌هایی فرمود از جمله «... و اذا لقیتم عدوکم مم المشرکین فادعوهم الی الاسلام...» (ابویوسف، ۱۳۹۹: ۱۹۲) (هنگامی که با دشمنانتان از مشرکین روبه‌رو شدید آنان را به اسلام فراخوانید پس اگر پذیرفتند شما هم از آنان بپذیرید و دست از ایشان بدارید و سپس آنان را به مهاجرت به مدینه دعوت کنید). ایشان وقتی سپاه خود را به منطقه موته اعزام می‌داشت، در دستورالعمل خویش به

فرماندهان آن غزوه سفارش کرد ابتدا دشمنان را به اسلام دعوت کنید و اگر نپذیرفتند با آنان بجنگید (طبری، ۱۹۶۱: ۳۱۹/۲). همچنین هنگام اعزام حضرت علی (ع) به یمن توصیه کردند: «یا علی لا تقاتل احداً حتى تدعوه الی الاسلام و ایم الله...» (صنعانی، ۱۴۰۹: ۲۱۷/۵؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۳۷۷/۳). (یا علی، با هیچ کس تا او را به اسلام فرانخواننده‌ای جنگ نکن، به خدا سوگند، اگر خداوند با دستان تو کسی را هدایت کند، به طور حتم از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است برای تو بهتر است و ولایت و سرپرستی او نیز تنها برای تو خواهد بود).

از دیگر اهداف راهبردی ایشان در جنگ، «مقابله به مثل» بود. یعنی اینکه جنگ را فی نفسه برای گسترش سلطه و توسعه‌ی سرزمین یا نابودی دشمن دنبال نمی‌کرد، بلکه هدف او تقابل با تجاوز مشرکان و نه بیشتر بود که البته خداوند آن را به پیامبرش اجازه می‌داد: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین تقاتلونکم و لاتعتدوا» (بقره/۱۹۰). مسلمانان وقتی از مکه هجرت کردند، قریش اموال ایشان را مصادره کردند و خداوند به همین سبب نیز به مسلمانان در برابر ستم ستمگران اجازه ایستادگی و مقابله داد «و اذن للذین یقاتلون بأنهم ظلموا...» (حج/۳۹). چه بسا اگر مشرکان چنین ستمی به مسلمانان روا نمی‌داشتند، این اجازه را به آنان نمی‌داد؛ پس در حقیقت این یک نوع تقابل با ستم بود. از راهبردهای دیگر آن حضرت «جنگ برای دفع فتنه» بود. خداوند به مؤمنان دستور داده که: «و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین کله لله» (بقره/۱۹۳) و نیز «الفتنه أشد من القتل» (بقره/۱۹۱). لذا بسیاری از جنگ‌های خود را معطوف به این هدف کرد. از دیگر اهداف راهبردی جنگ از سوی آن حضرت را می‌توان نجات مستضعفان و گرفتن حقوق از دست رفته‌ی آنان، تأدیب پیمان‌شکنان و برقراری قسط و عدالت بر اساس این فرمان الهی به شمار آورد: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله و شهداء بالقسط... الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی» (مائده/۸). همچنین ایشان در برخورد با اهل کتاب نیز راهبردی مشخص بر اساس آموزه‌های قرآنی تبیین و به آن عمل می‌کردند؛ یعنی پذیرش اسلام یا پرداخت جزیه «حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون» (توبه/۲۹).

ایشان از قتل و کشتن راهبانی که در صومعه‌ها گوشه عزلت گزیده بودند، منع می‌کرد و به لشکریان توصیه می‌کرد هنگام عبور از منطقه‌ای که آنان مشغول عبادت بودند، متعرضشان نشوند (حمیدالله، ۱۳۹۸: ۶۳۳). همچنین به فرماندهان سریه‌ها در مورد اهل کتاب توصیه می‌فرمود که آنان را به اسلام دعوت کنید اگر پذیرفتند چون سایر مسلمانان هستند و اگر نپذیرفتند باید جزیه دهند و در صورت امتناع با آنان بجنگید (ابویوسف، ۱۳۹۹: ۱۹۲). ایشان وقتی سریه‌ای را تدارک می‌دیدند به لشکریان خود دستور می‌دادند که بناها را ویران نکنند (مجلسی، ۱۳۷۴: ۶۰/۲۱) و از کشتن زنان و فرزندان مشرکان و اهل کتاب در دارالحرب بپرهیزند. چنین دستوراتی را می‌توان مختص آن حضرت دانست زیرا سون تزو متعرض آن نشده و در مجموع از اندیشه‌های وی بسیار اخلاقی‌تر و مرفقی‌تر به نظر می‌رسد.

۶. تاکتیک (Tactice)

مقوله تاکتیک نیز در حیطه هنر جنگ قرار می‌گیرد. سون تزو اشاره می‌کند که تاکتیک را باید متناسب با وضعیت دشمن انتخاب کرد، نقاط ضعف او را باید شناخت و در هر فرصتی وی را کوبید و نباید او را به حال خود آرام رها کرد تا آنجا که می‌شود باید بر خستگی وی افزود. ضمن اینکه موقعیت زمین می‌تواند تعیین‌کننده باشد؛ لذا نباید اجازه داد که میدان جنگ را دشمن تعیین کند. مفهوم زمین از نظر او مسافت‌ها، آسانی و دشواری پیمودن آن‌ها و حالت وسیع و فشرده زمین است. کشاندن دشمن به میدان مورد نظر کار ساده‌ای نیست و باید حیل‌هایی به کاربرد یا امتیازهایی به او داد. به عقیده او نیرویی که اول به میدان نبرد می‌رسد و در انتظار

دشمن می ماند در موضع قدرت است؛ اما نیرویی که با تأخیر وارد میدان می شود، امتیاز مهمی را از دست می دهد و در موضع ضعف قرار می گیرد و غالباً هم ناچار می شود با شتاب بیشتری جنگ را شروع کند. یک لشکر باید زمین مرتفع را نسبت به زمین پست ترجیح دهد و همچنین مواضع خود را در آفتاب مستقر ساخته و موانع را در پشت سر قرار دهد. همچنین می گوید زمین و میدان نبرد را بشناس و از شرایط جوی نیز آگاه باش در این صورت پیروزی شما حتمی خواهد بود (سون تزو، ۱۳۵۸: ۲۰۵).

حضرت رسول (ص) در غالب غزوات خود، موفق ترین تاکتیک ها را به اجرا در می آوردند. اولاً می کوشیدند تا زمین جنگ را به دشمن تحمیل و از موقعیت جغرافیایی مطلوبی برای استقرار در برابر وی بهره مند گردند. چنانکه در جنگ بدر زودتر از مشرکان به منطقه وارد شدند تا در موضع برتری استقرار یابند؛ به ویژه که سپاهیان خود را بر تپه «عدوه الدنيا» که امکان سلطه بر دشمن را بهتر فراهم می ساخت، مستقر کردند و دشمن را ناچار ساختند تا در «عدوه القصوی» موضع بگیرد که به این مورد در قرآن اشاره شده است: «إذا انتم بالعدوه الدنيا و هم بالعدوه القصوی و الزکب أسفل منکم...» (انفال/۴۱)؛ و نیز در محلی استقرار یافتند که زمین زیر پایشان محکم بود و دشمن را مجبور ساختند تا در زمینی شن زار مستقر شوند و به هنگام بارندگی جنگیدن برای آنان سخت شود (ابن سعد، ۱۳۷۶: ۸/۲؛ سهیلی، بی تا: ۸۱/۵). آن حضرت زودتر از دشمن بر چاه های بدر مسلط شدند تا نیروهایشان ضمن دسترسی به آب روحیه بهتری داشته باشند (ابن هشام، ۱۳۵۵: ۶۲۴/۱). آن حضرت در جنگ احد نیز زودتر از دشمن به منطقه آمدند و کوه احد را همانند یک دژ پشت سر خود قرار دادند تا مانعی نفوذناپذیر و پناهگاهی استوار در پشت سرشان باشد. موقعیت استقرار را به گونه ای انتخاب کردند که نور خورشید پشت سر نیروهای خودی و در مقابل چشم مشرکان قرار گیرد و جریان باد هم علیه دشمن بوزد تا کار جنگ را برایشان دشوار سازد. علاوه بر این، با گماردن تیراندازان بر روی «جبل عینین» به میدان جنگ مسلط شدند تا مانع شیخون دشمن از پشت سر شوند.^{۱۸} در غزوه احزاب بر اساس پیشنهاد سلمان فارسی به حفر خندق پرداختند و دشمن را زمین گیر کردند. استفاده از این تاکتیک در میان اعراب که تا آن موقع با جنگ های شهری آشنایی نداشتند بی سابقه بود؛ به گونه ای که وقتی ابوسفیان به این خندق رسید گفت: «و الله ما رایت قط هذا المکیده» (به خدا قسم هرگز چنین حيله ای ندیده بودم) (ابن سعد، ۱۳۷۶: ۵۱/۲). در غزوه خیبر که تعداد قلاع یهودیان زیاد بود به هر یک از قلعه ها جداگانه و با فاصله حمله کردند تا توان نیروهای خودی در یک حمله ی همه جانبه و هم زمان تحلیل نرود و پراکنده نگردد (ابن سیدالناس، ۱۴۱۴: ۱۷۹/۲). همچنین در غزوات بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه، طائف و به هنگام فتح مکه از تاکتیک محاصره استفاده کرده و سپاه خود را از پنج نقطه و گذرگاه وارد مکه ساخت (ابن سعد، ۱۳۷۶: ۱۳۰/۱، ۱۲۶). این تاکتیک در میان اعراب عصر جاهلی رواج نداشت زیرا اعراب حجاز جنگهای شان صحرائی بود و با شیوه جنگ شهری و محاصره شهرها و قلاع آشنایی نداشتند.

۷. برتری اطلاعاتی (Organization and Military Organ)

یکی دیگر از موارد مهمی که مورد توجه اندیشمندان هنر جنگ بوده و از مؤلفه های لازم جهت کسب برتری بر دشمن به حساب می آید، برتری اطلاعاتی است. این امر به مزیت عملیاتی ناشی از توانایی جمع آوری، پردازش و انتشار یک جریان بدون وقفه اطلاعات از دشمن گفته می شود که همواره باید مستمر بوده و تمامی بخش های مرتبط با عملیات، موظف به حفظ و نگهداری اطلاعات به دست آمده هستند (Dictionary of Military, 2010: 229)؛ و باید از دسترسی دشمنان به اطلاعات

^{۱۸}. برای اطلاع بیشتر ر.ک: قاندان، اصغر (بهار ۱۳۷۳) «احد در بستر تاریخ»، میقات حج، شماره ۷

حاصله جلوگیری شود (حفاظت اطلاعات).

برتری اطلاعاتی در شرایط عملیاتی امری حیاتی است و به هدف توانمندسازی تصمیم‌گیری هوشمندانه صورت می‌گیرد که منجر به اقدامات قاطع و حفاظت از نیروها می‌شود (Ministry of Defence, 2018: 1). سون تزو علاوه بر برخورداری از جاسوسان برای کسب اطلاعات از دشمن، بر این نظر است که باید جاسوسان دشمن را شناسایی و با رشوه و سوسه کرد تا تبدیل به جاسوس خودی شوند. از این طریق می‌توانیم جاسوسان محلی و داخلی را برای خود بکار گیریم و آنان را وادار کنیم تا اخبار دروغ را به دشمن برسانند (sun tzu, 2010: 63). او معتقد است اگر دشمن را بشناسید و خودتان را هم بشناسید در این صورت در نبرد، هرگز با خطر روبه‌رو نخواهید شد. هنگامی که شما دشمن را نمی‌شناسید ولی خودتان را می‌شناسید در این صورت شانس برد و باخت و شکست و پیروزی شما با هم یکسان خواهد شد. اگر شما هم از وضع خود و هم از وضع دشمن بی‌اطلاع باشید در این صورت مسلم است که در نبرد در معرض خطر قرار خواهید گرفت (سون تزو، ۱۳۵۸: ۶۸).

رسول خدا (ص) برای کسب اطلاعات نسبت به سایر مسائل مربوط به جنگ حساسیت بیشتری نشان می‌دادند. حتی ایشان سرایای زیادی به نواحی مختلف اعزام داشتند که مأموریت آن‌ها کسب اخبار از نیروهای قبایل دشمن بود (واقعی، ۱۴۰۴: ۹۷/۱؛ ابن‌سعد، ۱۳۷۶: ۳۳/۲). از جمله سربیه عبدالله بن جحش که آن حضرت به حفاظت اطلاعات در آن اهتمامی کامل مبذول داشتند به گونه‌ای که حتی هدف و مقصد سربیه را از فرمانده آن نیز تا رسیدن به نقطه‌ای خاص پنهان داشتند (ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۶۰۰/۱). اعزام جاسوسان قبل از جنگ بدر برای رصد حرکت دشمن، شناسایی تعداد نیروها و محل‌های استقرار و نیز مسیر حرکت کاروان قریش و نیز دریافت اخبار تحرکات مکیان توسط عباس (ابن‌سعد، ۱۳۷۶: ۱/۴)، اعزام جاسوسانی به سوی هوازن قبل از جنگ حنین و نیز انعقاد پیمان‌هایی با قبایل نزدیک مرزهای روم برای نظارت بر تحرکات رومیان (ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۲۲۴/۳) از دیگر موارد برتری اطلاعاتی آن حضرت بود. همچنین ایشان به مخفی ساختن اخبار تحرکات خود از جاسوسان دشمن اهتمام ویژه‌ای داشت. از جمله وقتی برای جنگ بدر خارج شد، به صحابه امر فرمود تا زنگوله‌ها را از گردن شترها باز کنند تا دشمنان آگاه و هشیار نشوند (ابن‌حنبل، ۱۴۱۵: ۱۵۰/۶). به هنگام اعزام ابی سلمة بن عبد‌الاسد برای هجوم علیه بنی‌اسد، وی را فرمان داد که نیروهای خود را در روز پنهان سازد و در شب حرکت کند تا دشمن حرکت او را کشف نکند و نیز از بیراهه ره سپارد تا غافلگیر نشود (واقعی، ۱۴۰۴: ۳۴۰/۱). همچنین در غزوات غطفان، ذی‌العشیره و دومه الجندل نیز این‌گونه عمل کردند (همان: ۴۰۳/۱ و ۱۴۴/۲). به هنگام تصمیم برای فتح مکه، نگاهبانانی بر راه‌های مواصلاتی مدینه و مکه قرارداد که مردم را از خارج شدن بازمی‌داشتند، چون ممکن بود اخبار مسلمانان را به قریش برسانند. آن حضرت حتی برای حفظ اطلاعات این هجوم از خداوند استمداد جست و فرمود: «خداوندا جاسوسان و اخبار (ما) را از قریش بگیر تا ما به سرزمین آنان برسیم» (همان: ۵۳۶/۲).

رسول خدا (ص) همین‌طور فرمانده را به استفاده از راهنمایان و اعزام پیش‌قراولان امر می‌کرد تا در رصد و کمین دشمن قرار نگیرند. از جمله اسامه بن زید را با این گفته سفارش فرمود: «... برای خود راهنمایانی برگزین و طلایع را بر خود پیش دار» (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۲۲۶/۱). ایشان حتی به‌شخصه نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام می‌کرد، با تجار و مسافران در راه‌ها برخورد و از آنان و ساکنان محلی کسب اطلاعات می‌کرد. بازجویی از اسراء، سکونت دادن نیروهای اطلاعاتی در سرزمین دشمن و استفاده از جاسوسان در میان دشمن برای بررسی تحرکات آنان در وقت مناسب (ر.ک: ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۲۶۷/۲؛ واقعی، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۱) از روش‌های دیگر برتری اطلاعاتی رسول خدا (ص) بود.

۸. جنگ روانی (Psychological warfare)

جنگ روانی یکی دیگر از عرصه‌های مربوط به هنر جنگ است. این روش برای تأثیرگذاری بر دشمن جهت تضعیف روحیه او و انگیزه‌هایش و در نهایت واداشتن به تسلیم بدون درگیری نظامی یا با حداقل آن استفاده می‌شود.^{۱۹} سون تزو با طرح نظریه «استراتژی غیرمستقیم» که در قرون معاصر توسط لیدل هارت به طور جامع‌تر در کتابی به همین عنوان پرداخته شد و تمام نظریه‌پردازان جنگ نرم در اندیشه راهبردی بر ضرورت استراتژی غیرمستقیم و عوامل روحی- روانی تأکید داشته‌اند، توانست بین اندیشه استراتژیک و الگوی رفتار غیرمستقیم رابطه برقرار کند. بسیاری از تحلیلگران جنگ نرم معتقدند که اندیشه‌های سون تزو بهترین راهنمای آنان در کنترل محیط اجتماعی بوده است. به همین دلیل وی را نظریه‌پرداز «رویکرد غیرمستقیم» رفتار راهبردی می‌دانند (ترابی، ۱۳۸۹: ۴۲).

استراتژی سون تزو در برخورد با دشمنان، ترکیبی از راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و جنگ تهاجمی بود. او معتقد بود پیش‌فرض هنر جنگ این است که باید با دیپلماسی از جنگ اجتناب کرد. اگر نمی‌توان از آن پرهیز کرد، باید از نظر روانی با دشمن مبارزه کرد تا آسیب و هدر رفتن منابع به حداقل برسد. به باور سون تزو فرمانده موفق کسی نیست که در رزم‌های پی‌درپی پیروز شود، بلکه کسی است که بتواند صرفاً با مانور و اقدامات روانی حریف را به پذیرش شکست متقاعد کند؛ و جنگ فقط باید آخرین راه حل باشد و رفتن به نبرد قبل از دیپلماسی پذیرفتن نوعی شکست است (سون تزو، ۱۳۵۸: ۲۰۰، ۱۴۸). در حقیقت عملیات روانی محور اصلی اندیشه و رفتار سون تزو بود؛ زیرا می‌تواند زمینه‌ی فریب ادراکی، تاکتیکی و عملیاتی را در رفتار راهبردی به وجود آورد، ساختار سیاسی دشمن را در وضعیت ابهام و غافلگیری قرار داده و اراده او را برای انجام اقدامات متقابل و هوشیاری راهبردی از دست دهد (ترابی، ۱۳۸۹: ۴۲) و به همین دلیل وی استراتژی را برنامه‌ریزی برای نبرد دائم غیر محسوس می‌داند. همچنین وی مهم‌ترین اصل در پیروزی را «جنگ روانی» و در حقیقت جنگ نرم می‌داند که به منظور غافل‌گیری نیروهای دشمن صورت می‌گیرد. او بر این باور است که ریشه‌ی همه جنگ‌ها نیرنگ است. از این رو، وقتی قادر به حمله هستیم، باید ناتوان به نظر برسیم. هنگام استفاده از نیروهای خود، باید غیرفعال به نظر برسیم. وقتی نزدیک هستیم، باید دشمن را به این باور برسانیم که دور هستیم. وقتی دور هستیم، باید کاری کنیم که او باور کند نزدیک هستیم. اگر او در همه نقاط امنیت دارد، برای او آماده باشید. اگر او از لحاظ قدرت برتر است، از او اجتناب کنید. تظاهر به ضعف بودن کنید تا مغرور شود. اگر نیروهایش متحد هستند، آن‌ها را از هم جدا کنید. جایی که آماده نیست و از شما انتظار ندارد او را مورد حمله قرار دهید (Sun Tzu, 1910: 3-4).

استفاده از جنگ روانی برای کاستن از تلفات خودی و دشمن یکی از مهم‌ترین راهکارهای رسول خدا (ص) بود. ایشان با ایجاد ترس در دل دشمن روحیه او را ضعیف می‌کرد. این امر در غزوه خیبر به‌گونه‌ای رخ داد که یک یهودی امان داده شده اظهار داشت مردم اینجا از ترس تو هلاک شدند (واقعی، ۱۴۰۴: ۶۷۰/۲). البته خداوند نیز این رعب را بر بنی‌قریظه مستولی کرد: «و انزل الذین ظاهروهم من اهل الكتاب من صیاصیههم و قذف فی قلوبهم الرعب فریقت تقتلون و تأثرون فریقاً» (احزاب/۲۶) و همین‌طور در مورد بنی‌نضیر (حشر/۲) و مشرکان (انفال/۱۲) نیز خداوند در دل آنان رعب افکند. این رعب چنان بود که قبایل مختلف به هنگام شنیدن خبر حرکت سپاه پیامبر (ص) از معرکه می‌گریختند.

^{۱۹} برای اطلاع بیشتر بنگرید: جمعی از نویسندگان (۱۳۷۷). مجموعه مقالات تبلیغات و جنگ روانی، ترجمه حسین حسینی، تهران: دانشگاه امام حسین(ع).

آن حضرت علاوه بر استفاده از رعب به یکی دیگر از ابزارهای جنگ روانی یعنی فریب هم اقدام می‌کردند؛ همان چیزی که سون تزو مورد تأکید قرار داده و بر این نکته تأکید دارد که نباید رقیب از استراتژی‌های شما آگاه باشد. نقشه‌هایتان را چون شب مبهم و تاریک نگاه‌دارید آنگاه در زمان حرکت چون رعد بتازید. به گفته او فریب برای گمراه‌سازی و غافلگیری دشمن از طریق پنهان ساختن حقیقت و انجام اعمال گمراه‌کننده و به منظور سست کردن اراده او صورت می‌گیرد و باید به دشمن درجایی که فاقد آمادگی قبلی است، حمله کنید و در جایی حضور یابید که انتظار شما را ندارد (Sun Tzu, 2000: 5).

فریب یا خدعه نزد آن حضرت آن قدر اهمیت داشت که بگویند «الحرب خدعه» (جنگ یعنی خدعه) (واقعی، ۱۴۰۴: ۵۳/۱)؛ و آن را در صورت ضرورت مورد توجه قرار می‌داد. از جمله هنگام تهاجم به مکه با اعزام نیروهایی به مناطق دیگر، دشمن را گمراه ساخت و نیز موفق شد با اجرای عملیات روانی روحیه ساکنان مکه را ابتدا تضعیف و سپس با دادن امتیازات زیادی به تسلیم وادارند؛ از جمله نصب پرچم‌های سفید در اطراف مکه و امان دادن به هر کسی که در خانه یا در مسجدالحرام یا خانه ابوسفیان پناه بگیرد (ابن‌سعد، ۱۳۷۶: ۱۰۲/۲). از دیگر مصادیق جنگ روانی اینکه به ده هزار نیروی نظامی خود دستور داد در شب‌هنگام آتش برافروزد تا ساکنان مکه کثرت نیروهای ایشان را ببینند و بدون مقاومت تسلیم شوند (ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۳/۳۴۴؛ واقعی، ۱۴۰۴: ۶۷۰/۲). سون تزو بر این تأکید داشت که پیش از شروع جنگ باید فکر و اندیشه دشمن را مورد حمله قرارداد. این همان روشی بود که پیامبر (ص) با جنگ روانی خود انجام داده بود؛ به‌گونه‌ای که وقتی هند همسر ابوسفیان به او اعتراض می‌کرد چرا از شهر و مردم خود دفاع نمی‌کنی او پاسخ داد: «محمد از درها نمی‌آید از قلب‌ها می‌آید» (ابن‌هشام، همان‌جا). این راهکارها علاوه بر تضمین پیروزی، منجر به کاستن از میزان تلفات خودی و حتی دشمن می‌شد؛ لذا ایشان مکه را فتح کردند بدون آنکه خونی از کسی در آن ریخته شود؛ یعنی نکته‌ای که سون تزو اعتقاد داشت لایق‌ترین فرمانده کسی است که شهری را بدون اینکه در آن کشتار و خونریزی شود، فتح کند. او می‌گفت پیروزی در یک‌صد جنگ اوج مهارت نیست، تسلیم شدن دشمن بدون جنگ هنر است و پیامبر (ص) آن فرمانده لایقی بود که برای فتح مکه چنین کرد. همچنین پیامبر در برابر شعار انتقام‌جویی سعد بن عباده فرمانده یکی از یگان‌هایش در فتح مکه به این شعار «الیوم یوم الملمحه» (امروز روز کشتار و انتقام است) عکس‌العمل نشان داد و نگذاشتند فتح این شهر جلوه‌ای زشت از انتقام‌جویی به خود بگیرد؛ لذا امام علی (ع) شعار را تغییر دادند: «الیوم یوم المرحمه» (واقعی، ۱۴۰۴: ۱۰۵/۲). همچنین به هنگام غزوه احزاب، نعیم بن مسعود را برای ایجاد اختلاف میان دشمن فرستاد. برای گمراه ساختن دشمن در جنگ‌های بنی‌لحیان و غطفان اقدامات متعددی انجام داد و موفق شد آنان را از پیوستن به یهودیان خیبر بازدارد (ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ۳/۳۴۴؛ واقعی، ۱۴۰۴: ۶۷۰/۲).

نتیجه‌گیری

بررسی شیوه‌های فرماندهی پیامبر اکرم (ص) و در حقیقت هنر جنگ در سیره ایشان در طی غزوات ده ساله در قیاس با اندیشه‌ی هنر جنگ سون تزو - که نظر وی همواره مورد استفاده رجال نظامی و سیاسی بوده است - نشان می‌دهد پیامبری که فاقد سواد خواندن و نوشتن بود، در هیچ آموزشگاه نظامی و زیر نظر هیچ مربی‌ای نظامی آموزش ندیده و از نظرت اندیشمندان و متون نظامی دنیا هیچ آگاهی نداشته است، صرفاً با نبوغ خویش و البته در عمل و نه صرفاً در تئوری، به اجرای بهترین و موفق‌ترین شیوه‌های هنر جنگ در عرصه‌های مدیریت و رهبری، طرح و برنامه‌ریزی، استراتژی و تاکتیک، برتری اطلاعاتی، جنگ روانی و... پرداخته است. در حقیقت آنچه سون تزو در کتابش با عنوان «هنر جنگ» مورد توجه و تحلیل قرار داده را آن حضرت به‌عینه در میدان جنگ به اجرا

درآورده است. با توجه به شیوه‌ها و نوع مدیریت و فرماندهی رسول خدا (ص) که در این پژوهش به اختصار بررسی شد و بسیار اعجاز آمیز به نظر می‌نماید، جای آن دارد که از آن حضرت، در عرصه‌های نظامی، علاوه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی، به الگوگیری بپردازیم و بیش از پیش به این جنبه‌های رهبری آن حضرت توجه کنیم.

فهرست منابع

- ابن اثیر، عزالدین احمد (۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، داربیروت.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۵). *المسند*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن سید الناس، ابوالفتح محمد بن محمد (۱۴۱۴). *عیون الأثر فی فنون المغازی والشمانل والسیر*، تعلیق، ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن منیع (۱۳۷۶). *الطبقات الکبری*، لبنان، دارصادر، دار بیروت.
- ابن منظور، محمد (۱۴۰۸). *لسان العرب*، تحقیق، علی سیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک (۱۳۵۵). *السیرة النبویه*، بیروت، مصطفی البابی الحلبی.
- ایوبی، هیشم (۱۹۷۵). *الموسوعه العسکریه*، بیروت، المؤسسه العربیه للدراسات و النشر.
- بیهقی، احمد بن حسین بن علی (۱۹۵۲). *السنن الکبری*، هند، مطبعه دائره المعارف عثمانیه، حیدرآباد.
- ترابی، طاهره (تابستان ۱۳۸۹). «رہیافت‌های متعارض جنگ نرم درکنش راهبردی قدرت‌های بزرگ»، آفاق امنیت، ش ۷، ص ۳۷.
- حمید الله، محمد (۱۳۹۸). *اسناد و مکاتبات سیاسی صدر اسلام*، ترجمه محمد حسینی (۱۳۹۸ ش)، تهران، سروش.
- حسینی، حسین (بهار ۱۳۷۵). «سون تزو و استراتژی غیرمستقیم»، سیاست دفاعی، ش ۱۳، ص ۲۱-۷۱.
- زهری، ابن شهاب (۱۴۲۵). *مرویات الإمام الزهري في المغازی*، تحقیق، محمد بن محمد العواجی، بی نا
- سون تزو (۱۳۵۸). *هنر جنگ*، ترجمه حسن حبیبی، تهران، قلم، چاپ دوم، (۱۳۶۴).
- سهیلی، عبدالرحمن (بی‌تا). *الروض الانف فی شرح السیرة النبویه*، تحقیق، عبدالرحمن وکیل، مصر، دارالمکتب الحدیثه.
- شافعی، محمد بن ادريس (بی‌تا). *الام*، بیروت، دارالمعرفه.
- شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). *کتاب السیر و الخراج والعشر من کتاب الاصل*، تحقیق و تعلیق، مجید خدوری، ترجمه اصغر قاندان (۱۴۰۰). تهران، نشر بین الملل.
- شهریاری، بهادر (بهار ۱۴۰۱). «استراتژی دفاعی رسول الله (ص) علیه مشرکان در عصر هجرت» سیاست دفاعی، دوره ۳۱، ش

۲۳، ۱۱۸

- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۹). *المصنف فی الآثار*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۱). *تاریخ الطبری*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۴). *المغازی رسول الله (ص)*، تحقیق، مارسدن جونز، بیروت، بی‌نا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). *بحار الانوار*، قم، دارالکتب الاسلامیه.

ب- منابع انگلیسی

- Boyatzis, Richard & Annie McKee (2023). "Primal Leadership: Realizing the Power of Emotional Intelligence," Journal of Applied Christian Leadership homepage, V.2. No.2
- Buc Jame, H, (1981) Military Leadership (War Revolution and Peace), Tapa blanda. SAGE Publications
- Cuong Huynh, Thomas (2008). The Art of War Spirituality for Conflict, Annotated & Explained, USA
- Dimovski, Vlado and Marič Miha (2012) .Theoretical Discussion Sun Tzu's "The Art of War" and Implications for Leadership, Organizacija, V.45 NO.4
- D. David and Gary, Van Fle-(1979). Military Leadership an Organizational Behavior Perspective, Emerald Publishing Limited
- Delbrück, Hans (1990) .Medieval Warfare History of The Art of War, V.III, Translated from the German by Walter .J Reme University of Nebraska Press
- Dictionary of Military and Associated Terms (2010). The Department of Defense, USA
- Simon and schuster (1983). Webster's new twentieth-century Dictionary" Nework
- Sun Tzu (1910). on the Art of War. Translated-by Lionel Giles. London, Luzac, and Company
- Van Wart, Montgomery (2003). Public-Secto Leadership Theory: An Assessment, Public Administration Review, V. 63, No. 2.

